



## Studying factors affecting social tolerance in Iran

*Morteza Farajian<sup>1</sup>*

(Receipt: 2023.01.06- Acceptance: 2023.05.27)

### Abstract

All societies must have a level of tolerance in order to have social cohesion and society members not to distance themselves from each other. This means that social coexistence requires accepting the diversity of cultures, ethnicities, different racial, religious groups, etc. Tolerating differences and accepting others with different tendencies and characteristics can be the cause of the stability of any society and thus the factor of its growth and development. This article studies the factors affecting the level of social tolerance in Iran, and for this purpose, secondary data has been used, which was surveyed globally by Ronald Inglehart about the values of different societies. The various factors investigated in this article are: level of education, religiosity, class, income, age and gender as independent variables whose relationship with the level of social tolerance of people in Iran has been measured. The findings of the research show that there is a significant relationship between education, religiosity, class, income, age and gender and the level of social tolerance at the level of 0.000. Therefore, all the hypotheses raised in this research have been confirmed. Also, the regression analysis shows that among the independent variables mentioned in the research, the level of education has the highest effect in predicting changes in the level of social tolerance, and the variables of religiosity, age, and gender are in the next ranks, with a total of 354. They predict percentage changes in social tolerance.

**KeyWords:** social tolerance, religiosity, class, education

---

1-Assistant Professor, Department of Sociology, Pars Abad Moghan Branch, Islamic Azad University, Pars Abad Moghan, Iran (corresponding author) Morteza.farajian@iau.ac.ir



10.30495/jsec.2023.1977004.2072



## مطالعه عوامل مؤثر بر تساهل اجتماعی در ایران

مرتضی فرجیان<sup>۱</sup>

(دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۶- پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶)

### چکیده

تمامی جوامع برای اینکه انسجام اجتماعی داشته باشند و افراد جامعه از همدیگر فاصله پیدا نکنند بایستی از سطحی تساهل برخوردار باشند. بدین معنا که همزیستی اجتماعی مستلزم پذیرش تنوع فرهنگ‌ها، اقوام، گروه‌های مختلف نژادی، دینی و ... است. تحمل تفاوت‌ها و پذیرش دیگران با گرایش‌ها و ویژگی‌های مختلف می‌تواند باعث پایداری هر جامعه‌ای و در نتیجه عامل رشد و توسعه آن باشد. مقاله حاضر به مطالعه عوامل مؤثر بر میزان تساهل اجتماعی ایران می‌پردازد و بدین منظور از داده ثانویه استفاده شده است که توسط رونالد اینگلهارت به صورت جهانی درباره ارزش‌های جوامع مختلف پیمایش شده است. عوامل مختلفی که در این مقاله بررسی شده عبارت‌اند از: میزان تحصیلات، دینداری، طبقه، درآمد، سن و جنسیت به عنوان متغیرهای مستقل که رابطه آنها با میزان تساهل اجتماعی افراد در ایران مورد سنجش قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین تحصیلات، دینداری، طبقه، درآمد، سن و جنسیت و میزان تساهل اجتماعی رابطه معنی‌دار در سطح ۰/۰۰۰ وجود دارد. بنابراین تمامی فرضیه‌های مطرح‌شده در این تحقیق تأیید شده‌اند. همچنین تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که از بین متغیرهای مستقل مطرح‌شده در تحقیق میزان تحصیلات، بالاترین تأثیر را در پیش‌بینی تغییرات میزان تساهل اجتماعی دارد و متغیرهای دینداری، سن و جنسیت در رتبه‌های بعد قرار دارند که در مجموع ۳۵۴٪ درصد تغییرات تساهل اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند.

**واژه‌های کلیدی:** تساهل اجتماعی، دینداری، طبقه، تحصیلات

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. bakhar.622@gmail.com

## مقدمه

برقراری ارتباط با دیگران از نیازهای ذاتی و فطری انسان‌هاست و از آنجاکه انسان‌ها به لحاظ زبانی، قومی، نژادی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تفاوت‌هایی دارند. تنها راه برقراری ارتباط سالم و فارغ از ستیزه‌جویی، وجود مدارای اجتماعی بین آنها است. همزیستی موضوعی است که همیشه و در طول تاریخ وجود داشته و انسان‌ها همواره در پی آن بوده‌اند که راه‌ها و شیوه‌های زندگی مسالمت‌آمیز را در کنار یکدیگر بیابند. در جوامع گذشته، تنوع فرهنگ‌ها، زبان و اقوام و همچنین دیگر عناصر زندگی اجتماعی کمتر بود و تحمل تفاوت‌ها و عقاید یکدیگر مسئله مهمی به حساب نمی‌آمد، اما با رشد و گسترش فزاینده ارتباطات در همه زمینه‌ها، از سویی تنوع فرهنگی، قومی، زبانی و اعتقادی بیشتر شده و از سوی دیگر، میزان تعاملات و برخورد افراد دوچندان شده است. بنابراین تحمل عقاید و آداب و فرهنگ گروه‌های دیگر اهمیت فراوانی می‌یابد. درواقع می‌توان گفت امروزه این تنوع تا حدی است که بدون داشتن حداقلی از مدارای اجتماعی و تحمل عقاید متفاوت و مخالف، زندگی کردن در وضعیت عادی غیرممکن خواهد بود.

همه کشورها، هم کشورهای توسعه‌یافته و هم کشورهای توسعه‌نیافته و هم کشورهای در حال توسعه، در تلاش‌هایشان برای فهم و تجربه مدارا دچار چالش‌هایی هستند. در واقع تهدیدها برای بقا که به واسطه جنگ‌ها و ترس از تروریسم، اطراف ما را احاطه کرده و اغلب در ایدئولوژی‌های بنیادگرایی نهفته است، توانایی ما را برای تحمل عقیده‌ها و تمرین مدارا کاهش داده است. در جامعه‌ای که تساهل وجود ندارد درواقع نوعی فاصله اجتماعی میان اعضای آن جامعه ایجاد خواهد شد. مفهوم فاصله اجتماعی به محدودیت در تعامل بین افراد متعلق به گروه‌های متفاوت اشاره دارد که مبنای آن، خود را برتر دیدن و پست دانستن دیگران است (کاوان، ۱۹۷۱: ۹۴؛ کاراکالی ۲۰۰۹: ۵۳۹؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۳۳). فاصله اجتماعی دارای دو نوع است: فاصله اجتماعی افقی که به معنای داشتن تعامل با دیگرانی که به لحاظ فرهنگی متفاوت هستند، بدون خودبرتربینی است (کاوان، ۱۹۷۱: ۷۱)، فاصله اجتماعی عمودی که تفاوت‌های فرهنگی در آن پررنگ است و مبنایی برای تمایز خود و دیگران به شمار می‌رود (بوگاردوس، ۱۹۲۸: ۷۸). به بیان دیگر در فاصله اجتماعی افقی، فرد تمایل دارد تا رابطه‌ای با طرف مقابل داشته باشد، اما در فاصله اجتماعی عمودی، چنین تمایلی وجود ندارد. هرچه فاصله افقی‌ای که فرد برای ارتباط با سایر انسان‌ها انتخاب می‌کند بیشتر باشد و به فاصله عمودی نزدیک شود، نشان‌دهنده تساهل نداشتن وی خواهد بود و برعکس. از سوی دیگر، اگر فاصله اجتماعی در جامعه‌ای افزایش یابد که نشانی برای نبود تساهل است، احتمالاً شکاف اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت.

باید توجه داشت مادامی که افراد جامعه‌ای با یکدیگر متفاوت‌اند و اغلب دارای اعتقادات راسخی هستند، با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند و اگر قرار باشد بیشتر آن‌ها اهل مدارا نباشند، صلح اجتماعی غیرممکن خواهد شد. بنابراین، در جامعه‌ای پیچیده و در حال تغییر، مدارا کردن گریزناپذیر خواهد بود. ویلیامز بر این نظر است که اگر گروه‌های مختلف، عقاید متعارضی در زمینه اخلاقی یا سیاسی یا مذهبی داشته باشند و هیچ بدیل و جایگزینی برای زندگی در کنار هم نیابند، تساهل امری ضروری خواهد بود (ژاندرن، ۱۳۷۸: ۲۵). با توجه به اینکه ایران جامعه‌ای در حال تغییر است و متشکل از گروه‌ها، و اقوام و گرایش‌های مختلف فکری، جنسی و اعتقادی است می‌تواند میزان تساهل مردم از عوامل مختلفی تأثیر بپذیرد و پایین آمدن تساهل اجتماعی در ایران می‌تواند خطرات جدی بر انسجام و همبستگی مردم ایران داشته باشد. تحمل اعتقادات، آداب و رسوم و خرده‌فرهنگ‌های مختلف می‌تواند به هرچه مستحکم‌تر شدن همبستگی اجتماعی منجر شود و برعکس خودبرتربینی‌ها و عدم تحمل موارد ذکر شده می‌تواند خسارت جبران‌ناپذیر بر جامعه ایران داشته باشد، بنابراین این تحقیق به دنبال آن است با شناسایی عوامل مؤثر بر تساهل اجتماعی در ایران با استفاده از تحلیل ثانویه داده موج پنجم ارزش‌های جهانی (WVS) که اطلاعات مفیدی درباره کشورمان را به دست می‌دهد به این سؤال پاسخ دهد که چه عوامل و تا چه میزان بر میزان تساهل اجتماعی در ایران اثر می‌گذارد؟

## مبانی نظری

فرهنگ هریتیج کاربرد تساهل در علوم پزشکی را چنین تعریف کرده است: زنده ماندن یک موجود زنده در برابر عفونت‌ها (هریتیج، ۲۰۰۲). اندیشه تساهل در علوم انسانی، به لحاظ تبارشناسی تاریخی از درون منازعات مذهبی اروپا پدید آمد و در آغاز به معنای حق انتخاب مذهب از سوی فرد و عمل بدان بود و به تدریج تساهل در برابر هر عقیده‌ای شامل شد (فولادی، ۱۳۷۹: ۱۰۱). در بیان اصول تساهل که دولت‌ها آن را در نشست بیست و هشتمین اجلاس عمومی یونسکو در ۱۹۹۵ تصویب کردند، تساهل چنین تعریف شده است: احترام گذاشتن، پذیرش و ارج نهادن به فرهنگ‌های متنوع پیرامونمان، اشکال مختلف آزادی بیان و شیوه‌های متنوع انسان بودن (آگینوس و امبروسویچ، ۲۰۰۳: السدی و بسیط، ۲۰۱۳). در فرهنگ هریتیج، تساهل چنین تعریف شده است: احترام به هویت و عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها برای داشتن عقاید مخالف (سراج زاده و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۱۵). می‌توان دو اصل اساسی برای تساهل برشمرد: مدارا در عرصه تفاوت‌ها معنا می‌دهد جایی که تفاوت اساسی حضور داشته باشد. فرد به تفاوت آگاه است و عقیده فرد مقابل را نمی‌پذیرد، اما به این تفاوت احترام می‌گذارد. باراده شخصی، از سرکوب عقاید دیگران خودداری

می‌کند، دیگران متفاوت را به رسمیت می‌شناسد و محترم می‌شمارد (جهانگیری و افراسیابی، ۱۳۹۰: ۱۵۹ و گت، ۲۰۰۲: ۴۲؛ بالینت، ۲۰۱۴: ۲۶۴).

تساهل به‌عنوان عمل آگاهانه فرد یا سازمانی در نظر گرفته می‌شود در خودداری از مخالفت و سرزنش یا خشونت علیه اعتقادات دیگری، به‌رغم مخالفت شخص با آن اعتقادات (تامپسون، ۲۰۰۲: ۲۴). مدارا اساس شکلی از خودداری (خودکنترلی) است. گیبسون، تساهل را درجه‌ای از میل به توسعه حقوق شهروندی برای کسانی می‌داند که ایده‌هایشان تا حدی با جریان اصلی تفکر سیاسی در یک کشور متفاوت است (گیبسون، ۲۰۰۵: ۲۸). باید اضافه کرد که مدارا به شیوه‌های متفاوتی مفهوم‌پردازی می‌شود؛ از جمله ستایش تمایز و نداشتن تعصب و بردباری در برابر کسی که با موضوعی مخالفت می‌کند یا به چیزی تعصب دارد (رایینسون و همکاران، ۲۰۰۱: ۷۳). بشیریه نیز بر این اعتقاد است که تساهل با بی‌تفاوتی متفاوت است، تساهل مبتنی بر نوعی خودداری است. در واقع در تساهل باید میل اصلی به مخالفت و مقاومت وجود داشته باشد، اما سرکوب شود؛ درحالی که در بی‌تفاوتی، میل اولیه به مخالفت وجود ندارد (بشیریه، ۱۳۷۹: ۴۰). واژه‌های تساهل، تحمل، تسامح، رواداری و مدارا که در ادبیات امروز، برابر نهاد واژه Toleration به کار می‌رود دارای تفاوت‌های معنایی است؛ اما اشتراک معنایی این واژگان در این کاربرد خاص سبب شده است تا چندان به این تفاوت‌ها توجه نشود. واژه Toleration از ریشه لاتینی tolero به معنای تحمل کردن و اجازه دادن و ابقا کردن است. این واژه با مصدر Tollo به معنای حمل کردن و اجازه دادن هم خانواده است؛ گویی کسی که تساهل می‌ورزد، باری را تحمل یا حمل می‌کند (فتحعلی، ۱۳۷۸: ۳۰). در مجموع می‌توان مدارا و تساهل و تسامح را با مؤلفه‌هایی چون وجود تنوع و اختلاف، ناخشنودی و نارضایتی، وجود آگاهی و قصد احترام، توافق وجود قدرت و توانایی مداخله در نهایت، کنترل خویشتن در مداخله و مقاومت ملازم همراه دانست.

مدارا در جامعه معاصر، به‌عنوان یک ویژگی، فضیلت سیاسی در جهان پست‌مدرن و پست سکولار شناخته می‌شود (کنیرز، ۲۰۰۱). مدارا، نوعی توانایی و تعهد به شناخت، احترام، مشارکت کردن، گفت‌وگو توافق با کسانی است که متفاوت هستند و این به‌عنوان نیروی سیاسی اجتماعی شناخته می‌شود (دلپس، ۲۰۰۴: ۱۷).

انواع تساهل از نظر پیتر کینگ: تساهل برحسب موضوع از نظر کینگ چهار نوع است:

(۱) تساهل عقیدتی؛ یعنی تساهل در برابر وجود یا بیان یا تبلیغ عقایدی مخالف با عقاید عامل تساهل

- (۲) تساهل سازمانی؛ که یک مرحله پیشرفته از تساهل عقیدتی است و به معنی شناسایی حق گردهمایی صاحبان عقاید مخالف عامل تساهل است
- (۳) تساهل هویتی؛ یعنی اعمال تساهل در برابر ویژگی‌هایی که اختیاری نیست، مانند ملیت، جنس، نژاد، طبقه، فرهنگ و دارندگان آن ویژگی‌ها
- (۴) تساهل رفتاری مثل تساهل در برابر شیوه لباس پوشیدن یا روابط اجتماعی (بشیریه، ۱۳۷۹: ۵۰).

عامل تساهل ممکن است فرد، گروه اجتماعی، فرقه مذهبی یا خود حکومت باشد. به‌هرحال تساهل باید نسبت به موضع تساهلی تاندازه‌ای از قدرتی بیشتر برخوردار باشد تا بتواند نسبت به فرد یا گروه یا فرقه مخالف، نه تحمل بلکه تساهل داشته باشد (همان، ۷۲). مدارا برای گروه‌های دیگر، عنصری ضروری برای فرهنگ دموکراتیک و شهروندی اروپایی است (کوابنتلیبر، ۲۰۰۸: ۱۳). گیسون مدارا را در این جمله ساده به کار می‌برد: اگر مدارای سیاسی افزایش یابد، امل موفقیت دموکراسی افزایش می‌یابد (گیسون، ۲۰۰۶: ۶۱). برخی نیز چون چاتز (۲۰۰۴) مدارای اجتماعی را عنصری اساسی در شکل‌گیری دموکراسی دانسته و به‌عنوان مفهومی کلیدی در توسعه سیاست‌های اجتماعی به کار می‌برد (چاتز، ۲۰۰۴: ۷۴). تساهل در مقایسه با اعتقادات و اعمال مخالف، شرط کلیدی تری برای شهروندی و دموکراسی است (سولیوان و ترانسو، ۱۹۹۹: ۳۵).

برخی نظریه‌پردازان بر این نظرند تساهل با آموزش پیوند می‌یابد و امری یادگرفتنی است؛ چراکه مدارا مفهومی پیچیده و شناختی است. آن‌ها معتقدند که از طریق افزایش ارتباطات با گروه‌ها و نهادهای مختلف می‌توان مدارا در ابعاد مختلف را افزایش داد (سولیوان و مارکوس، ۱۹۸۱: ۱۴). افراد دارای تحصیلات عالی، مدارای بیشتری دارند. ووگت معتقد است تقریباً همه شواهد حاکی از این حقیقت است. برعکس، افرادی که تحصیلات رسمی کم‌تری دارند، در زمینه‌های متعدد، تساهل کم‌تری از خود نشان داده‌اند. او معتقد است بین تحصیلات عالی با تمایل به مدارای اجتماعی و بین تحصیلات کم و مدارا نکردن در بین افراد ارتباط وجود دارد (ووگت، ۲۰۰۲: ۴).

از زمان جنگ دوم جهانی، توجه به موضوع مدارا ذهن برخی اندیشمندان را به خود معطوف کرد. در این میان روانشناسان پیشگام بودند و اغلب آن‌ها بر متغیرهای فردی تأکید کرده‌اند. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی، سه نظریه گسترده و کلان و یک تبیین علی درباره تساهل ارائه داده‌اند که عبارت‌اند از:

- (۱) نظریه «شخصیت اقتدارطلب» آدرنو و همکاران در سال ۱۹۵۰
- (۲) فرضیه «برخورد» آلپورت در سال ۱۹۵۸

(۳) نظریه «هویت اجتماعی» تاجفل و ترنر در ساله‌های ۱۹۸۲ و ۲۰۰۲.

فرضیه آلپورت بیان می‌کند در وضعیت خاص، برخورد با اشخاص برون گروه، مدارا را در برابر افراد این گروه‌ها افزایش می‌دهد. از عواملی که به افزایش مدارا منجر می‌شود نیز عبارت است از ارزیابی مثبت از این برخوردها به‌وسیله نهادهای مثل مدارس و شرکت‌ها یا به‌وسیله دولت (کوآینتلیبر، ۲۰۰۸).

نظریه تضاد گروهی واقع‌گرایانه، وابستگی متقابل منفی را منبعی برای تعصب در نظر می‌گیرند؛ درحالی‌که فرضیه برخورد معتقد است وابستگی متقابل مثبت، ممکن است روابط را بهبود بخشد. آلپورت برای اولین بار نظریه برخورد را مطرح و به شرایط موردنیاز برای توسعه روابط بین گروهی مثبت اشاره کرد.

شرایطی که آلپورت مطرح می‌کند، شامل این گزینه‌هاست؛

- (۱) وابستگی متقابل همراه با همکاری و مشارکت در کل گروه‌ها
- (۲) جایگاه برابر بین اعضای گروه اقلیت و گروه اکثریت در تعقیب اهداف مشترکشان
- (۳) حمایت نهادهای و مسئولان از روابط بین گروهی
- (۴) ایجاد فرصت برای اعضای همه گروه‌ها تا به‌عنوان افراد، با یکدیگر کنش متقابل داشته باشند (کریستی و داو، ۲۰۰۱).

موتز نیز مانند آلپورت معتقد است ارائه بین فرهنگی اندیشه‌های مختلف به تساهل بیشتر افراد در کشورها منجر می‌شود؛ چراکه با افزایش برخوردها و ارتباطات افراد از فرهنگ‌های مختلف، نگاه مثبت آن‌ها به فرهنگ‌های متفاوت کشورهای دیگر افزایش می‌یابد. مدارای اجتماعی به ارزیابی مستقیم برخورد با افرادی که گروه‌های دیگر مربوط می‌شود، مثلاً داشتن رئیسی از گروه قومی دیگر. رفتار افراد در این موقعیت، میزان مدارا را نشان می‌دهد (موتز، ۲۰۰۲: ۱۰).

نظریه محرومیت نسبی به این موضوع اشاره دارد که کاهش شکاف میان فقیر و غنی در جوامع، مدارا نکردن را به‌طوری پذیرفتی حل می‌کند. این نظریه با ارائه شواهد، نشان می‌دهد کشورهای با کمترین شکاف میان غنی و فقیر، کمترین میزان جرم و جنایت و بهترین وضعیت سلامت اجتماعی و روانی را داشته‌اند (ویلیکینسون، ۱۹۹۶: ۴). آندرو فایالا در فصل دوم کتابش، «مدارا و زندگی اخلاق» مدارا را نیازمند فهم پیچیده‌ای خود و تعهدات اخلاقی آن می‌داند. مدارا عموماً به‌عنوان واژه‌ای بکار می‌رود که فضیلت یا ویژگی یا تمایل به انجام اعمال بردبارانه را توصیف کند. هنگامی که در زبان معمولی روزمره می‌گوییم فلانی هنگام درد مدارای زیادی دارد، بدین معنی

است که او توانایی تحمل درد را دارد. اتفاقی نیست که واژه مدارا را در رابطه با درد به کار می‌بریم. چراکه مدارا به‌مثابه آرمانی اخلاقی مستقیم به چیزهای منفی مربوط می‌شود. با این ریشه‌شناسی می‌توانیم به تعریفی کلی از مدارا دست یابیم که دربردارنده سه شرط به هم مرتبط است بنابراین وقتی من با چیزی مدارا می‌کنم:

(۱) قضاوت و برداشتی منفی درباره آن دارم (آن چیز ممکن است شخص یا اعمال یا نگرش‌ها و عادات‌های او باشد).

(۲) می‌توانم آن را خنثی و بی‌اثر کنم.

(۳) می‌توانم عمداً از خنثی‌سازی آن خودداری کنم.

شرط اول نیازمند برداشتی منفی است. البته قضاوت منفی درباره مدارا کاملاً نامطلوب نیست بلکه قضاوت و برداشت منفی در اینجا حد وسط بین موضوع مطلوب تا کاملاً نامطلوب است. این برداشت چه‌بسا جایی در یک پیوستار، از منفی‌ترین تا مثبت‌ترین شکل آن باشد. واژه قضاوت در اینجا در معنای وسیع‌تری به کار می‌رود که شامل واکنش‌های احساسی نیز می‌شود. به‌طورکلی، قضاوت بین چیزها تمایز ایجاد کرده و اثر تحریک‌کننده دارد. اگر قضاوت کاملاً مطلوب باشد، نیازی به مدارا مطرح نمی‌شود، همچنین اگر برداشت کاملاً نامطلوب باشد و آن چیز را محکوم کنیم، مدارا ناممکن خواهد شد. عموماً برداشت منفی، به انجام کنش منفی متمایل است، اما نکته اینجاست مدارا هنگامی رخ می‌دهد که در برابر نتایج منفی همان برداشت منفی مقاومت کرده و رغم داشتن قضاوت منفی، کنش منفی و نامطلوب سر نمی‌زند. شرط دوم بیان می‌کند که فرد قدرت بیان موضع منفی خود را در مقابل محتوی سؤال دارد. واژه خنثی کردن را در معنای گسترده‌ای بکار می‌برد که شامل تنوعی از واکنش‌های منفی، از کناره‌گیری گرفته تا تخریب شدید می‌شود. شرط سوم بیان می‌کند که فرد آگاهانه از اعمال قدرت برای خنثی کردن آن چیز خودداری می‌کند. این مهم است که فرد قدرت دارد. فردی که اهل مدارا نیست. اگر با چیزی که از آن بیزار بوده همراهی و موافقت کند، به دلیل این است که یا به آن کار مجبور شده یا ترسو است. به‌عکس، هنگامی فرد اهل مدارا است که به چیزی که از آن نفرت دارد، بی‌اعتنا باشد؛ اگر قدرت آنرا داشته باشد. در عوض آن را تحمل می‌کند و بردباری به خرج می‌دهد. نهایت این‌که، خودداری کاملاً آگاهانه است: از بی‌تفاوتی به آن چیز خودداری می‌کند چراکه دلیلی برای آن نمی‌بیند (فیالا، ۲۰۰۵: ۳).

مدارا همچون نگرش، شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد و مدارا کردن همچون عمل به روش‌های گوناگونی سامان می‌گیرد. والزر معتقد است مدارا حتی در اکراه‌آمیزترین شکل‌های آن و



بی‌ثبات‌ترین سامان‌های آن نیز بسیار مطلوب است. وی مدارا را همزیستی گروه‌های مختلف مردم با تاریخ و فرهنگ و هویت‌های گوناگون تعریف می‌کند و در کتاب خود، در باب مدارا، ذکر می‌کند که در گفتارهای عادی، اغلب مدارا را متضمن نابرابری می‌دانند که در آن گروه‌ها و افراد در موقعیت پست‌تر محل مدارا قرار می‌گیرند (والزر، ۸۳). وی در بحث از مقولات عملی مدارا، این مفهوم را با چندین مقوله اصلی و عملی ارتباط می‌دهد که عبارت‌اند از: قدرت، طبقه، جنسیت، دین و آموزش (والز، ۱۳۸۳: ۹).

یکی از مؤثرترین تحلیل‌های نظری درباره چرایی تأثیرگذاری تحصیلات بر تساهل را پارسونز ارائه کرد. به عقیده وی، با طولانی شده دوره تحصیل، مرحله دیگری در فرایند جامعه‌پذیری صورت می‌گیرد. در این مرحله، افراد شخصیت افتراقی‌تری پیدا می‌کنند و در نتیجه، به ادراک مقوله‌های پیچیده‌تر و درعین حال منطقی‌تری از دنیا دست می‌یابند. طی مراحل تحصیلات دانشگاهی و مواجهه با دنیای تخصص‌های حرفه‌ای و شناخت‌های تخصصی، برای جوانان، جامعه‌پذیری عمیق‌تر و ماندگارتری به وجود می‌آورد (روشه، ۱۳۹۱: ۱۸۸). دانیل لرنر نیز معتقد است که ارتقای تحصیلات، از مهم‌ترین عناصر آمادگی ذهنی انسان‌ها برای نو شدن است. به اعتقاد وی، افزایش سطح تحصیلات افراد موجب می‌شود که بیگانگی آن‌ها کاهش یابد (نیازی، ۱۳۹۰: ۳۴). به بیان هانتینگتون (۱۳۷۰: ۵۴) نیز تحصیلات نقشی بنیادی در ایجاد نگرش‌های جدید و به‌طور کلی، انسان نوین ایفا می‌کند. در مجموع باید گفت که افزایش سطح تحصیلات، به دگرپذیری فرد کمک می‌کند و سبب می‌شود تا فرد، افراد بیشتری را با وجود تفاوت‌هایشان بپذیرد و از این طریق تساهل بیشتر را در مورد افرادی که مانند او می‌اندیشند، ابراز کند. از جمله پژوهش‌های داخلی آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۸۸)، ترکارانی (۱۳۸۸)، مقتدایی (۱۳۸۹)، شریفی (۱۳۹۲)، گلابی و رضایی (۱۳۹۲) و خارجی گلوبوسکا (۱۹۹۵)، لائودردالا (۲۰۰۱)، کاریوف (۲۰۰۲)، وگت (۲۰۰۲)، هالپرن (۲۰۰۴)، کلمن و وایت (۲۰۱۱)، دیچوپ و کالفانو (۲۰۱۲)، وایت و روسکام (۲۰۱۳)، اسچودل و گرانتو (۲۰۱۴) که این تأثیرگذاری را تأیید کرده‌اند.

همچنین باید در نظر داشت که افزایش سطح تحصیلات، بر میزان سرمایه اجتماعی فرد نیز تأثیر می‌گذارد. افزایش سال‌های تحصیل، به معنای افزایش تعداد افرادی است که فرد با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند و موجب گسترش شبکه اجتماعی ارتباط‌های فرد می‌شود؛ بنابراین تحصیلات از دو طریق، بر تساهل مذهبی تأثیر می‌گذارد: بار اول از طریق مستقیم و از طریق جامعه‌پذیری مجددی که طی آن صورت می‌پذیرد و با دوم از طریق افزایش سرمایه اجتماعی که این سرمایه اجتماعی عمدتاً از نوع برون‌گروهی است.

در پژوهش‌های مختلف، دو متغیر زمینه‌ای جنسیت و سن نیز وارد تحلیل شده‌اند. جنسیت و ویژگی‌های آن سبب می‌شود فرد ویژگی‌های خاصی را فراگیرد. همچنین با افزایش سن، اطلاعات و دیدگاه‌های متفاوتی در اختیار فرد قرار می‌گیرد که بر نگرش وی تأثیر می‌گذارد. افزایش سن سبب آشنایی بیشتر فرد با جهان اجتماعی پیرامون خود می‌شود و او را برای پذیرش عقاید گوناگون مستعدتر می‌سازد. بعضی از پژوهش‌ها از جمله، پارلیو و دونوگیو (۲۰۰۵)، دیچوب و کالفانو (۲۰۱۲)، و اندرونول (۲۰۱۴)، کونجرو (۲۰۱۴)، کاسمو و همکاران (۲۰۱۵) کیانی (۱۳۸۱) که وجود این رابطه را تأیید کرده‌اند. بر اساس رویکردهای و نظریه مطرح شده از جمله نظریه‌های والزر، پارسونز، هید، لرنز و... می‌توان گفت که متغیرهای سن، تحصیلات، درآمد، دینداری، و طبقه بر میزان تساهل تأثیر می‌گذارند بنابراین در این تحقیق ما به دنبال سنجش میزان تأثیرگذاری این متغیرها بر روی میزان تساهل اجتماعی در ایران هستیم.

## روش‌شناسی

روش تحقیق در این مقاله از نوع تحلیل ثانویه است. در این نوع تحلیل، از داده‌های گردآوری شده پیمایش اصلی برای مطالعه موضوعی که غیر از موضوع اصلی است، استفاده می‌شود، به عبارتی، از داده‌هایی که مؤسسات یا محققان دیگری که گردآوری کرده‌اند، می‌توان به اقتضای مسئله سود جست. در این مقاله نیز برای آزمون فرضیات تحقیق از مجموعه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی، پژوهشی در مقیاس جهانی است که اطلاعاتی درباره دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع مختلف از جمله ایران ارائه می‌دهد. این پیمایش به مدیریت رونالد اینگلهارت اجرا می‌شود شامل پیمایش‌هایی با نمونه‌های ملی است که به ارزش‌ها و اعتقادات بنیادین مردم بیش از ۶۵ کشور در شش قاره جهان می‌پردازد و پوشش جمعیتی این پروژه حدود ۸۰ درصد از کل جمعیت جهان است. در این مقاله برای آزمون فرضیات تحقیق از مجموعه داده‌های پیمایش (WVS) موج پیمایش سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ استفاده شده است. داده‌های تحقیق با مصاحبه مستقیم و به وسیله پرسشنامه گردآوری شده است. برای سنجش میزان تساهل در این تحقیق از گویه‌های ده‌گانه‌ای که از نمونه آماری ایران جمع‌آوری شده استفاده شده است که عبارت‌اند از همسایه شدن با ( افراد معتاد، نژاد متفاوت، افراد دچار ایدز (HIV)، مهاجران و کارگران خارجی، همجنس‌گرایان، افراد با مذهب متفاوت، افراد الکلی، مجردها، یهودیان و مسیحیان). برای تدوین چارچوب نمونه این پیمایش، با توجه به حجم و پیچیدگی جامعه آماری ایران، از روش نمونه‌گیری احتمالی چندمرحله‌ای استفاده شده است و حجم نمونه ۲۶۶۷ نفر است.

### فرضیه‌های تحقیق

- بین میزان دینداری با تساهل اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین طبقه و تساهل اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات و تساهل اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین میزان سن و تساهل رابطه وجود دارد.
- بین میزان درآمد و تساهل اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین جنسیت و تساهل اجتماعی رابطه وجود دارد.

### یافته‌های تحقیق

توصیف یافته‌ها: نمونه مطالعه شده ایرانیان در پیمایش جهانی که شامل حجم نمونه ۲۶۶۷ نفر هستند. با توجه به بررسی داده‌ها مشخص شد که تعداد ۶۸ نفر از پاسخگویان اطلاعات از دست‌رفته از متغیر تساهل اجتماعی داریم بنابراین برای تحلیل بهتر فرضیات ۶۸ نفر حذف گردید. بنابراین از تحلیل صورت گرفته از ۲۵۹۹ نفر میزان تساهل افراد در جدول زیر مشخص شده است. چنانکه جدول شماره ۱ نشان می‌دهد. میزان ۱/۰۸ درصد افراد نسبت به دیگران عدم تساهل دارند، ۱۳/۸۷ افراد دارای تساهل پایین، ۴۶/۴۰ درصد افراد تساهل متوسط و ۳۸/۶۳ درصد افراد دارای تساهل بالا هستند. آمارهای توصیفی نشان می‌دهد که میزان تساهل در جامعه ایران متوسط رو به بالا است.

جدول (۱) میزان تساهل اجتماعی

درصد	فراوانی	تساهل
۱/۰۸	۲۸	عدم تساهل
۱۳/۸۹	۳۶۱	تساهل پایین
۴۶/۴۰	۱۲۰۶	تساهل متوسط
۳۸/۶۳	۱۰۰۴	تساهل بالا
٪۱۰۰	۲۵۹۹	جمع

یافته‌های تبیینی (آزمون فرضیات)

رابطه بین سن، درآمد، تحصیلات و طبقه با میزان تساهل

جدول ۲ ضریب همبستگی (R) و آزمون معنی‌داری برخی متغیرها با میزان تساهل اجتماعی

متغیرها	ضریب همبستگی (R)	sig
سن	/.۱۱۸	/.۰۰۰
درآمد	/.۰۹۱	/.۰۰۰
تحصیلات	/.۲۵۸	/.۰۰۰
طبقه	/.۱۱۲	/.۰۰۰

جدول ۲ ضریب همبستگی و آزمون معناداری متغیرهای سن، درآمد، تحصیلات و طبقه را با میزان تساهل اجتماعی نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های تحقیق، بین سن با میزان تساهل اجتماعی رابطه معنادار (/.۰۰۰) وجود دارد و همبستگی بین آنها مثبت و مقدار آن /.۱۱۸ است. بدین معنی که هرچه سن افراد بالاتر می‌رود بر میزان تساهل اجتماعی افراد افزوده می‌شود. احتمالاً با بالا رفتن سن افراد بهتر می‌توانند با دیگران سازگار شوند و آنها را پذیرش کنند.

همچنان جدول بالا نشان می‌دهد که بین درآمد و میزان تساهل نیز رابطه معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی سطح رابطه را /.۰۹۱ نشان می‌دهد که آزمون F آنرا کاملاً معنادار (/.۰۰۰) نشان می‌دهد. همبستگی در جهت مثبت بوده و نشان می‌دهد که با بالا رفتن میزان در آن میزان تساهل اجتماعی نیز بالاتر می‌رود. بنابراین فرضیه وجود رابطه بین میزان درآمد و میزان تساهل تأیید می‌گردد بدین معنی که هرچه افراد درآمد بیشتری داشته باشند نسبت به افراد کم‌درآمدتر تساهل بیشتری از خود نشان می‌دهند. با توجه به یافته‌های تحقیق جدول بالا نشان می‌دهد که بین تحصیلات و میزان تساهل اجتماعی نیز رابطه معنادار وجود دارد میزان همبستگی /.۲۵۸ درصد مثبت نشان‌دهنده همبستگی نسبتاً بالایی بین این دو متغیر دارد بدین معنی که از بین متغیرهای مطرح‌شده در جدول بالا متغیر تحصیلات رابطه نسبتاً قوی‌تری نسبت به سایر متغیرها، با میزان تساهل اجتماعی دارد و این همبستگی در جهت مثبت بوده و نشان می‌دهد که هر چه میزان تحصیلات بالاتر می‌رود میزان تساهل اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. این احتمالاً بدین معناست که هر چه میزان تحصیلات افراد بالاتر برود قابلیت ذهنی و رفتاری بیشتری برای پذیرش دیگران و تساهل با آنان شکل پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که جوامعی که در آن افراد تحصیلات بیشتری را دارند دارای تساهل بیشتری خواهند بود.

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد با توجه به یافته‌های تحقیق طبقه اجتماعی افراد نیز میزان تساهل اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به نتایج ذکرشده در جدول رابطه در سطح معنی‌دار /.۰۰۰ است و میزان همبستگی آنها /.۱۱۲ در جهت مثبت است. بدین معنی معنا که

هر چه طبقه افراد بالاتر باشد میزان تساهل اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. کسانی که خود را از طبقه بالای اجتماعی در جامعه می‌دانند تساهل بیشتری را نسبت به سایر افراد و گروه‌های اجتماعی نشان می‌دهند بنابراین بالاتر رفتن طبقه افراد آنرا تبدیل و به انسان‌های دارای تساهل بیشتر در جامعه می‌کند.

## جنسیت و تساهل

همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد. جنسیت میزان تساهل اجتماعی را تحت تأثیر معنادار قرار می‌دهد و آزمون خی دو ۱۵/۹۸۵ را نشان می‌دهد که با درجه آزادی به میزان ۲ و آزمون معناداری رابطه آنها در سطح ۰/۰۰۰ تأیید می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که جنسیت میزان تساهل افراد را به‌صورت معنادار تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

جدول ۳ رابطه بین تساهل اجتماعی و جنسیت

Sig	df	$\chi^2$ خی دو	متغیرها
.۰۰۰	۲	۱۵/۹۸۵	جنسیت تساهل اجتماعی

همچنین جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که هر چه قدر به‌طرف تساهل اجتماعی بالاتر حرکت می‌کنیم درصد زنان در تساهل اجتماعی نسبت به مردان افزایش می‌یابد. همچنان که در جدول زیر مشاهده می‌گردد ۴۳/۱۵ درصد از زنان دارای تساهل بالا هستند در حال که در مردان این رقم ۳۴/۱۵ درصد است اکثریت مردان تساهل اجتماعی متوسطی را از خود نشان داده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که زنان نسبت به مردان تساهل اجتماعی بیشتری دارند.

جدول شماره ۴ تساهل و جنسیت (درصدها و فراوانی)

جمع	جنسیت				متغیرها	
	زن		مرد			
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	عدم تساهل	تساهل اجتماعی
۲۸	۱۰	۰/۷۸	۱۸	۱/۴۰	عدم تساهل	
۳۵۹	۱۶۵	۱۲/۹۲	۱۹۴	۱۴/۹۹	پایین	
۱۱۹۱	۵۵۱	۴۳/۱۵	۶۴۰	۴۹/۴۶	متوسط	
۹۹۳	۵۵۱	۴۳/۱۵	۴۴۲	۳۴/۱۵	بالا	
۲۵۷۱	۱۲۷۷	٪۱۰۰	۱۲۹۴	٪۱۰۰	جمع	

همان‌طور که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد یافته‌های تحقیق رابطه بین دینداری افراد و میزان تساهل اجتماعی آنها را معنادار نشان می‌دهد. بدین معنی که همبستگی گاما به میزان  $0.361$  قابل ملاحظه بوده و سطح معناداری آن نیز  $0.000$  است. بنابراین با اطمینان بسیار بالا می‌توان گفت که دینداری افراد میزان تساهل اجتماعی آنها را تحت تأثیر معنادار قرار می‌دهد.

جدول (۵) رابطه بین دینداری و تساهل اجتماعی

Sig	همبستگی Gamma	متغیرها
$0.000$	$0.361$	دینداری تساهل اجتماعی

همچنین جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که افراد دیندار تساهل اجتماعی بالاتری را از خود نشان می‌دهند، بطوریکه  $41/19$  درصد افراد دیندار دارای تساهل بالا درحالی‌که در افراد غیرمذهبی به  $24/57$  درصد می‌رسد. یعنی ملاحظه فراوانی‌ها و درصدها نشان می‌دهد که افراد مذهبی تساهل اجتماعی بالاتری نسبت به افراد غیرمذهبی دارند.

جدول ۶ رابطه بین دینداری و تساهل اجتماعی (درصدها و فراوانی‌ها)

دینداری						تساهل اجتماعی
مذهبی		غیرمذهبی		کافر		
فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	
۱۷	$0.81$	۹	$2/21$	۰	$0\%$	عدم تساهل
۲۴۷	$11/76$	۱۰۴	$25/55$	۱	$50\%$	پایین
۹۷۱	$46/24$	۱۹۴	$47/67$	۱	$50\%$	متوسط
۸۶۵	$41/19$	۱۰۰	$24/57$	۰	$0\%$	بالا
۲۱۰۰	$100\%$	۴۰۷	$100\%$	۲		جمع

## رگرسیون چند متغیری

پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل بدین معنی که هرکدام از آنها چه سهمی در پیش‌بینی متغیر وابسته دارند می‌طلبد تا از رگرسیون چند متغیره استفاده گردد. در این مقاله از رگرسیون چند متغیری از یک مدل و روش Stepwise استفاده شده است. بدین دلیل از روش گام به گام رگرسیون استفاده شده است که متغیرهای که قابلیت تأثیر پرتوان ندارد از چرخه

رگرسیون کنار گذاشته شوند. بر اساس ورود گام به گام متغیرهای تحقیق در رگرسیون از ۶ متغیر وارد شده، متغیر درآمد و طبقه به دلیل عدم تأثیر پرتوان از مدل رگرسیون خارج شده است.

جدول شماره (۷) ضرایب رگرسیونی و سطح معناداری آنها

متغیرها	R	$R^2$	R تعدیل شده	sig
تحصیلات	.۲۶۸	.۰۷۳	.۰۷۱	.۰۰۰
دینداری	.۳۰۴	.۰۹۲	.۰۹۲	.۰۰۰
سن	.۳۰۹	.۰۹۵	.۰۹۴	.۰۰۰
جنسیت	.۳۱۴	.۰۹۸	.۰۹۷	.۰۰۰

همان طور که جدول ۷ نشان می‌دهد که همه متغیرهای تحصیلات، دینداری، سن و جنسیت همبستگی قابل ملاحظه و همچنین دارای رابطه معنادار با تساهل اجتماعی می‌باشند. مجموع میزان R تعدیل شده نشان می‌دهد که مجموع متغیرهای مستقل  $۰.۳۵۴$  از متغیر وابسته تحقیق (تساهل اجتماعی) را پیش‌بینی می‌کنند.

جدول ۸ رگرسیون گام به گام تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر وابسته تحقیق

متغیرها	B	Beta	sig
تحصیلات	.۱۹۸	.۲۲۳	.۰۰۰
دینداری	.۱۸۴۳	.۱۳۸	.۰۰۰
سن	.۰۱۲	.۰۶۶	.۰۰۱
جنسیت	.۲۴۸	.۰۵۵	.۰۰۵

همچنین جدول ۸ نشان می‌دهد که با افزایش یک انحراف استاندارد در نمره تحصیلات، نمره تساهل اجتماعی  $۰.۲۲۳$ ، انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. و با افزایش یک انحراف استاندارد در نمره دینداری، نمره تساهل اجتماعی  $۰.۱۳۸$ ، انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت و با افزایش یک انحراف استاندارد در نمره سن، نمره تساهل اجتماعی  $۰.۰۶۶$ ، انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت و همچنین هر چه قدر از طرف گروه مردان به طرف گروه زنان حرکت کنیم، با افزایش یک نمره انحراف استاندارد در جنسیت، نمره تساهل اجتماعی  $۰.۰۵۵$ ، انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

مجموع تأثیرگذاری متغیرها تحصیلات، دینداری، سن و جنسیت در پیش‌بینی متغیر تساهل اجتماعی  $۰.۳۵$  است که بیش از یک سوم تغییرات تساهل اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند. باقیمانده تغییرات تساهل اجتماعی در ایران را باید متغیرهای دیگری پیش‌بینی کند که در این تحقیق در نظر

گرفته نشده است و همین موضع جا را برای تحقیقات جدیدی برای تبیین متغیر تساهل اجتماعی در ایران باز می‌کند.

## بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق به سنجش عوامل مؤثر بر میزان تساهل اجتماعی در ایران می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای تحصیلات، دینداری، سن، جنسیت و طبقه رابطه معناداری با میزان تساهل اجتماعی دارند. بر این اساس تمامی فرضیه‌های مطرح‌شده در تحقیق مورد تأیید قرار گرفتند. در رابطه با تأثیر معنادار میزان تحصیلات بر میزان تساهل اجتماعی یافته‌های تحقیق همسو با یافته‌های گلوبیوسکا (۱۹۹۵)، لائودردالا (۲۰۰۱)، کارپوف (۲۰۰۲)، وگت، (۲۰۰۲)، هالپرن (۲۰۰۴)، کلمن و وایت (۲۰۱۱)، دیجوپ و کالفانو (۲۰۱۲)، وایلت و روسکام (۲۰۱۳)، اسپودل و گرانتو (۲۰۱۴)، آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۸۸)، ترکارانی (۱۳۸۸)، مقتدایی (۱۳۸۹)، شریفی (۱۳۹۲)، گلابی و رضایی (۱۳۹۲) است. «پارسونز» نیز یکی از مؤثرترین تحلیل‌های نظری درباره چرایی تأثیرگذاری تحصیلات بر تساهل را ارائه می‌کند. به عقیده وی، با طولانی شده دوره تحصیل، مرحله دیگری در فرایند جامعه‌پذیری صورت می‌گیرد. در این مرحله، افراد شخصیت افتراقی‌تری پیدا می‌کنند و در نتیجه، به ادراک مقوله‌های پیچیده‌تر و درعین حال منطقی‌تری از دنیا دست می‌یابند. طی مراحل تحصیلات دانشگاهی و مواجهه با دنیای تخصص‌های حرفه‌ای و شناخت‌های تخصصی، برای جوانان، جامعه‌پذیری عمیق‌تر و ماندگارتری به وجود می‌آورد. «دانیل لرنر» نیز معتقد است که ارتقای تحصیلات، از مهم‌ترین عناصر آمادگی ذهنی انسان‌ها برای نو شدن است. به اعتقاد وی، افزایش سطح تحصیلات افراد موجب می‌شود که بیگانگی آن‌ها کاهش یابد. در مجموع باید گفت که افزایش سطح تحصیلات، به دگرپذیری فرد کمک می‌کند و سبب می‌شود تا فرد، افراد بیشتری را با وجود تفاوت‌هایشان بپذیرد و از این طریق تساهل بیشتر را در مورد افرادی که مانند او می‌اندیشند، ابراز کند. نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق تأییدکننده نظریه‌های مطرح‌شده است.

در پژوهش حاضر رابطه بین دینداری و میزان تساهل اجتماعی در سطح معناداری ۰/۰۰۰ درصد مورد تأیید قرار گرفت. با توجه به مبانی نظری مطرح‌شده، می‌توان بیان کرد که افزایش سطح تحصیلات، بر میزان سرمایه اجتماعی فرد نیز تأثیر می‌گذارد. افزایش سال‌های تحصیل، به معنای افزایش تعداد افرادی است که فرد با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند و موجب گسترش شبکه اجتماعی ارتباط‌های فرد می‌شود؛ بنابراین تحصیلات از دو طریق، بر تساهل مذهبی تأثیر می‌گذارد: بار اول از طریق مستقیم و از طریق جامعه‌پذیری مجددی که طی آن صورت می‌پذیرد و بار دوم از طریق افزایش سرمایه اجتماعی که این سرمایه اجتماعی عمدتاً از نوع برون‌گروهی است. در رابطه با میزان



تأثیر جنسیت و سن در میزان تساهل اجتماعی فرضیه تحقیق در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ مورد تأیید قرار گرفت این نتایج به نتایج تحقیقات پژوهشگران از جمله پاریلو و دونوگیو (۲۰۰۵)، دیجوب و کالفانو (۲۰۱۲)، واندرنول (۲۰۱۴)، کونجرو (۲۰۱۴)، کاسمو و همکاران (۲۰۱۵) کیانی (۱۳۸۱) همسو است. جنسیت و ویژگی‌های آن سبب می‌شود فرد ویژگی‌های خاصی را فراگیرد. همچنین با افزایش سن، اطلاعات و دیدگاه‌های متفاوتی در اختیار فرد قرار می‌گیرد که بر نگرش وی تأثیر می‌گذارد.

همچنین تحلیل چند متغیره رگرسیون گام‌به‌گام متغیرهای تحقیق نشان داد که متغیر میزان تحصیلات دارای بیشترین تأثیر در پیش‌بینی تساهل اجتماعی و متغیرهای دینداری، سن و جنسیت در رتبه‌های بعدی اهمیت تأثیرگذاری هستند. مجموع تأثیرگذاری متغیرهای مستقل در تحقیق ۰/۳۵ است که تقریباً یک‌سوم تغییرات اجتماعی تساهل اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند و باقیمانده تغییرات باید متغیرهای دیگری در نظر گرفته شود که جا را برای تحقیقات بعدی در این زمینه باز می‌کند.

یافته‌های تحقیق تأییدکننده تحقیقات و نظریه‌های هست که صاحب‌نظران در مورد عوامل مؤثر بر تساهل داشته‌اند مخصوصاً وجود رابطه بین میزان تحصیلات و میزان تساهل اجتماعی که در سطح نسبتاً فراوانی قرار دارد و در واقع بیشترین تأثیرگذاری را در بین متغیرهای مستقل دیگر دارد تأییدی است بر نظریات پارسونز و دانیل لرنز و افرادی که در این مورد تحقیق کرده‌اند. همچنین وجود رابطه بین جنسیت، طبقه و دینداری در این تحقیق تأییدکننده نظریه والزر و هید است که اشاره به رابطه متغیرهای موردنظر با تساهل اجتماعی داشتند. همچنین متغیرهای سن و درآمد در این تحقیق به صورت اکتشافی مورد آزمون قرار گرفت که نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار بین این متغیرها و متغیر تساهل اجتماعی است.

در نهایت آنچه درباره تساهل اجتماعی در ایران می‌توان گفت این است که در سال‌های اخیر بالا رفتن میزان تحصیلات ایران و وجود سطحی قابل توجه از دینداری در جامعه و همچنین از طرفی هرم سنی جمعیت ایران (که به طرف سن پیری است) باعث افزایش میزان تساهل اجتماعی در ایران شده است علاوه بر این تأثیرگذاری عوامل مختلفی از جمله جنسیت، طبقه و میزان درآمد افراد را اضافه کنیم به میزان فراوانی از تساهل اجتماعی در ایران قابل پیش‌بینی خواهد بود که از سطح متوسط تساهل به طرف سطح بالای اجتماعی متمایل است. علاوه بر این می‌توان پیشنهادهایی را برای بالا رفتن تساهل اجتماعی با توجه به یافته‌های تحقیق داد که از جمله سرمایه‌گذاری در جهت افزایش هرچه بیشتر میزان تحصیلات مردم، رشد اخلاقی دینی-انسانی و درآمد افراد که می‌توانند به بالا رفتن سطح تساهل اجتماعی کمک کنند و این موضوع می‌تواند در ایجاد انسجام اجتماعی بیشتر در ایران بسیار مؤثر باشد.

## منابع:

- آزاد ارمکی، تقی. شارع پور، محمود. عسگری، علی (۱۳۸۸) «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی»، جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره (۱): ۶۴-۹۸.
- بشیریه، حسن (۱۳۷۹)، نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: پویا.
- ترکرانی، مجتبی (۱۳۸۸)، بررسی و سنجش وضعیت مدارای اجتماعی در لرستان» بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره (۳): ۱۳۳-۱۵۷.
- جهانگیری، ج. و افراسیابی، ح. (۱۳۹۰) مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارا، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، دانشگاه اصفهان (۳): ۱۷۵-۱۵۳.
- روشه، گی (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک گوهر، تهران، نشر نی
- ژاندرن، سادا (۱۳۷۸)، تساهل در تاریخ اندیشه غرب، عباس باقری، مجموعه مقالات، تهران: نی.
- سراج زاده، سید حسین؛ شریعتی مزینانی، سارا؛ صابر، سیروس (۱۳۸۳)، «بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره اول، شماره ۴: ۱۰۹-۱۴۲.
- شریفی، سمیرا (۱۳۹۲)، سنجش مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین شهروندان ساکن تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء- دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
- فتحعلی، محمود (۱۳۷۸)، تسامح و تساهل: اخلاقی، دینی، سیاسی، قم، موسسه فرهنگی طه.
- فولادی، محمد (۱۳۷۹)، تساهل و تسامح از منظر دینی، معرفت، شماره ۳۵: ۱۰۸-۱۰۰.
- کیانی، مژده. (۱۳۸۱)، «عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر فاصله اجتماعی ارمنه استان اصفهان»، کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۵ و ۶: ۲۲۸-۲۱۵.
- گلابی، فاطمه. رضایی، اکرم. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دوم، شماره (۱): ۶۱-۸۶.
- مقتدایی، فاطمه (۱۳۸۹). بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن در شهر اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
- نیازی، محسن (۱۳۹۰)، «تبیین رابطه بین سطح تحصیلات و میزان انسجام ملی و اجتماعی شهروندان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوازدهم، شماره ۴: ۵۰-۳۱.
- والزر، م. (۱۳۸۳)، در باب مدارا، صالح نجفی، تهران: شیرازه.
- هید، د. (۱۳۸۳)، تساهل، پژوهشکده مطالعات راهبردی)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

Agius, Emmanuel. Ambrosewic, Jolanta (2003), "Toward a Culture of Tolrrccce & cccc". aaitt-Mathieu street Montréal (Quebec) Canada, <http://www.ibcr.org/images/contenu/publications/2003-tolerance-peace-en.pdf>.

- Al Sadi, Fatma. Basit, Tehmina (2013), "Religious tolerance in Oman: addressing religious prejudice through educational intervention", *British Educational Research Journal*, Vol 39, No 3, pp: 447–472.
- Balint, Peter (2014), "Acts of tolerance: A political and descriptive account, European", *Journal of Political Theory*, Vol 13, No 3, pp: 264–281.
- Bogardus, Emory (1928), "Occupational Distance", *Sociology and Social Research*, Vol 13, pp: 73-8.
- Cavan, Ruth Shonle (1971), "A Dating-Marriage Scale of Religious Social Distance", *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol 10, No 2, pp: 93-100.
- Christie, Daniel J & Dawes, Andrew (2001) *Tolerance and Solidarity, Peace and Conflict: Journal of Peace Psychology*, 7 (2), 131-142.
- Conejero, Susana. Etxebarria, Itziar. Montero, Ignacio (2014), "Gender Differences in Emotions, Forgiveness and Tolerance in Relation to Political Violence", *Spanish Journal of Psychology*, Vol 17, pp: 1–15.
- Conyers, A.J. (2001). *The Long Truce: How Toleration Made the World Safer for Power and Profit*. Dallas TX: Spence Publication.
- Delisle, Lee (2004) *Leisure and Tolerance An Historical Perspective*, *World Leisure*: No. 21.
- Djupe, Paul. Calfano, Brian (2012), "Religious Value Priming, Threat, and Political Tolerance", *Political Research Quarterly*, Vol.66, No.4, pp:767-779.
- Fiala, Andrew (2005) *Tolerance and the Ethical Life*, London: Continuum.
- Gibson, James (2013), "Measuring Political Tolerance and General Support for Pro- Civil Liberties Policies. Notes, Evidence, and Cautions", *Public Opinion Quarterly*, Vol 77, pp: 45–6.
- Golebiowska, Ewa (2009) *Ethnic and Religious Tolerance in Poland*, *East European Politics and Societies* 2009 23: 371, Volume 23 Number3
- Quintelier, Ellen (2008) *Does European Citizenship Increase Tolerance in Young People?* *European Union Politics*, Volume9(3):339-362:London:Sage.

- Halpern, Leah Webb (2004), "The Effects of Higher Education on Tolerance: An Investigation of Political and Cultural Attitudes of College Students", Academic Forum, No 21, pp: 90-130.
- Heritage Dictionary (2002), Stedman's Medical Dictionary, Published by Houghton Mifflin Company.
- Karakayali, Nedim (2009) "Social Distance and Affective Orientations," Sociological Forum, Vol 23, No 3, pp: 538-562.
- Karpov, Vyacheslav(2002), "Religiosity and Tolerance in the United States and Poland", Journal for the Scientific Study of Religion, Vol 41, pp:267-287.
- Kasmo, Mohd Arip. Usman, Abur Hamdi. Taha, Mohamad. Salleh, Ahmad Rafizi. Alias, Jamsari (2015), "Religious Tolerance in Malaysia: A Comparative Study between the Different Religious Groups", Review of European Studies, Vol 7, No 3, pp: 184-191.
- Lauderdale, Diane (2001),"Education and Survival: Birth Cohort, Period, and Age Effects", Demography, Vol 38, pp: 551-61.
- Mutz, Diana (2002), "Cross-Cutting Social Networks: Testing Democratic Theory in Practice." American Political Science Review, Vol 96, No 2, pp: 111-126.
- Mona C. S. Schatz (2004) Social Tolerance and Social Civility: Key Elements for Transitioning Democratic Countries, Journal of Comparative Social Welfare: 23-3 1.
- Parrillo, Vincent. Donoghue, Christopher (2005), "Updating the Bogardus social distance studies: a new national survey", The Social Science Journal, Vol 42: pp: 257-271.
- Quintelier, Ellen (2008) Does European Citizenship Increase Tolerance in Young People?, European Union Politics, Volume 9 (3): 339-362: London: Sage.

- Robinson, Carin (2010), "Cross-Cutting Messages and Political Tolerance: An Experiment Using Evangelical Protestants", *Political Behavior*, Vol 32, pp: 495–515.
- Robinson, J., Witenberg, R., & Sanson, A. (2001). The socialization of tolerance. In M. Augoustinos & K. J. Reynolds (Eds.), *Understanding prejudice, racism and social conflict* (pp. 73-88). London: Sage.
- Schwadel, Philip. Garneau, Christopher (2014), "An Age–Period–Cohort Analysis of Political Tolerance in the United States", *The Sociological Quarterly*. Vol 55, pp: 421–452.
- Smith, Jeffrey. McPherson, Miller. Lovin, Lynn Smith (2014), "Social Distance in the United States: Sex, Race, Religion, Age, and Education Homophily among Confidants, 1985 to 2004", *American Sociological Review*, Vol 79, No3, pp:432-456.
- Sullivan, J. L, & Transue, J. E. (1999). The psychological underpinnings of democracy: A selective review of research on political tolerance, interpersonal trust, and social capital. *Annual Review of Psychology*, 50, 625–650.
- Thompson, Denise. (2002) Power and distaste: Tolerance and its limitations. Retrieved from [www. s~rc.unsw.edu.au/seminars/tolerance.pdf](http://www.s~rc.unsw.edu.au/seminars/tolerance.pdf).
- Van der Noll, Jolanda (2014)," Religious toleration of Muslims in the German Public", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol 38, pp: 60– 74.
- Vogt, Paul (2002) *Social Tolerance and Education*, *Review of education, Pedagogy, and Cultural Studies*: London: Sage.
- Waillet, Nastasya. Roskam, Isabelle (2013), "Are Religious Tolerance and Pluralism Reachable Ideals? A Psychological Perspective", *Religious Education*, Vol 108, No 1, pp: 69-87.
- Wilkinson, R. G. (1996). *Unhealthy societies: The affliction of inequality*. London and New York: Routledge.